

تأثیر دولت رانتیر بر الگوهای مشارکت سیاسی (مورد پژوهی: ایران در دوره جمهوری اسلامی)

شهرام طهماسبی^۱
مهرداد جواهری پور^۲
رضاعلی محسنی^۳

تاریخ وصول: ۹۷/۱۱/۰۳

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۰۱

چکیده

هدف این مقاله بررسی تأثیر دولت رانتیر بر الگوهای مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران است. نظریه دولت رانتیر رویکرد اصلی مقاله است. روش تحقیق، تطبیقی و تکنیک جمع‌آوری اطلاعات اسنادی است. در این مقاله ویژگی‌های اقتصادی ایران بررسی گردید و یافته‌ها نشان داد جمهوری اسلامی ایران دارای اقتصاد رانتیر است که وابستگی زیادی به فروش نفت دارد. درآمدهای رانتی باعث شده دولت‌های ایران وابستگی چندانی به درآمدهای مالیاتی نداشته و مستقل از مطالبات طبقات و گروه‌های اجتماعی شوند. مهم‌ترین مسیر طرح مطالبات سیاسی مشارکت سیاسی است که در جمهوری اسلامی تحت تأثیر اقتصاد رانتی قرار گرفته است و سه الگو مشارکت سیاسی در ایران پدید آمده است که عبارتند از: الف) الگوی رابطه تخصصی که پیروان آن بیرون از فرآیند مشارکت سیاسی قرار گرفته‌اند؛ ب) الگوی مشارکت سیاسی غیرحمایتی که به طور مداوم در حال جذب و طرد از جریان اصلی قدرت سیاسی در ایران هستند؛ ج) الگوی حمایتی که وظیفه تولید و بازتولید نیروهای سیاسی هوادار نظام سیاسی را بر عهده دارند و به دلیل حمایت نظام سیاسی از پیروان این جریان فکری، دارای الگوی مشارکتی فراگیر و چرخه کامل مشارکت سیاسی‌اند.

واژگان کلیدی: دولت رانتیر، مشارکت سیاسی حمایتی، مشارکت سیاسی غیرحمایتی، جمهوری اسلامی.

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- استادیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

mehrdadjavaheri@yahoo.com

۳- دانشیار جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

موضوع این مقاله مشارکت‌سیاسی در جمهوری اسلامی ایران است. «مشارکت‌سیاسی هر گونه عمل داوطلبانه موفق یا ناموفق، سازمان‌یافته یا سازمان‌نیافته مستمر یا دوره‌ای، شامل به کارگیری روش‌های مشروع یا نامشروع برای تاثیر بر انتخابات، سیاست‌های عمومی و انتخاب رهبران سیاسی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی است» (Weiner, 1971: 164-5). یکی از سازوکارهای مشارکت‌سیاسی، مشارکت در انتخابات است. بعد از انقلاب اسلامی سابقه مشارکت مردم در بیش از ۳۵ دوره انتخابات متعدد در حدود مدت ۴۰ سال نشان از میزان بالای مشارکت‌سیاسی در کشور است. مشارکت‌سیاسی به عنوان یک پدیده اجتماعی متأثر از شرایط محیطی از جمله شرایط اقتصادی است. برخی از صاحب‌نظران (عسکری، ۱۳۸۹؛ رابطی، ۱۳۸۴) معتقدند نفت در اقتصاد ایران نقش اساسی در پدید آمدن دولت رانتیر داشته است. «بیلای» دولت رانتیر را اینگونه تعریف می‌کند: «هر دولتی که بیش از ۴۲ درصد از کل درآمدهایش از رانت خارجی باشد، دولت رانتیر محسوب می‌شود» (به نقل از شریعتی، ۱۳۸۶: ۱۰۵؛ Beblawi, 1987). رانت این امکان را به ساختار سیاسی حاکم در یک کشور می‌دهد که خود را از طبقات و گروه‌های اجتماعی مستقل کند و خواسته‌های سیاسی آن‌ها را نادیده گیرد. خواسته‌های که عموم آنها از طریق مشارکت‌سیاسی برآورده می‌شوند. این در حالی است که مشارکت‌سیاسی تنها راه حل عقلانی برای حل منازعات سیاسی بین نیروهای سیاسی فعال در جامعه است (Lipset, 1994: 10-22).

هدف مقاله حاضر شناخت تأثیر دولت رانتیر بر الگوهای مشارکت‌سیاسی در جمهوری اسلامی ایران است. در ابتدا نظریه دولت رانتیر به عنوان رویکرد نظری مقاله بررسی می‌شود و در ادامه به پیشینه نگاشته‌ها اشاره خواهد شد. سپس به بررسی دولت رانتیر و تأثیر آن بر الگوهای مشارکت‌سیاسی در جمهوری اسلامی پرداخته خواهد شد.

رویکرد نظری مقاله حاضر مبتنی بر نظریه دولت رانتیر است. دولت‌های رانتیر تأثیراتی بر جامعه برآمده از آن دارند. محققان اثر رانتیر را اینگونه تعریف می‌کنند: «که یک دولت از منابع طبیعی فراوان در اختیار خود، برای تخفیف فشارهای اجتماعی استفاده می‌کند که در غیر این صورت منجر به مطالبات مردمی برای پاسخگویی بیشتر می‌شود» (شریعتی، ۱۳۸۶: ۱۰۵).

حداقل چهار اثر مکمل قابل تصور است که چگونه چنین پدیده‌ای تحقق می‌یابد: ۱- اثر مالیات‌گیری؛ منظور این است که در شرایطی که حکومت درآمد کافی از فروش نفت به دست آورد، احتمالاً مالیات کم‌تری از مردم می‌گیرد و یا اساساً مالیات نمی‌گیرد. در عوض، احتمال تقاضای عمومی برای پاسخگویی حکومت و نمایندگی حکام از طرف مردم، کاهش خواهد یافت (Luciani, 1986: 87؛ Mahdavy, 1970). دولت‌های رانتیر با از بین بردن نظام مالیات‌گیری در جوامع خود، یکی از ارکان مولد نظام‌های دموکراتیک را از بین

تأثیر دولت رانتیر بر الگوهای مشارکت سیاسی (مورد پژوهی: ایران در ...

می‌برند. بنابراین در کشورهای که دولت‌های آنها از مردم مالیات نمی‌گیرند و یا برای اداره کشور به مالیات مردمی نیاز ندارند، جایگاه دولت واژگونه می‌شود و دولت‌ها به جای اینکه به مردم نیازمند و به آنها پاسخگو باشند این مردم هستند که به دولت‌ها وابسته‌اند (Spruyt, 1996: 157). این امر به‌ویژه در ایام رقابت‌های انتخاباتی نمایان می‌شود. دولت‌های غیررانتی برای ماندن در قدرت مجبور به پاسخگویی به رای‌دهندگان و متقاعد کردن آنها برای حفظ قدرت خود می‌باشند در حالی که دولت‌های رانتی سیاست‌های توزیع پول در میان مردم و هواداران خود را به اجرا می‌گذارند و سعی می‌کنند پول بیش‌تری را میان مردم توزیع نمایند (Bueno and e al, 2003:43). ۲- اثر هزینه‌ای: که در آن ثروت می‌تواند هزینه‌های حکومت را برای حامی‌پروری افزایش دهد و در عوض از فشارهای بالقوه برای دموکراتیزه شدن بکاهد (Waterbury, 1994: 29). ۳- اثر شکل‌دهی طبقات: در برگزیده آن است که وقتی درآمدهای نفتی پول‌های کافی را در اختیار حکومت قرار می‌دهد، حکومت با بذل و بخشش این پول‌ها، از شکل‌گیری گروه‌های اجتماعی مستقل از خود جلوگیری می‌کند. این گروه‌ها در صورت شکل‌گیری ممکن است حقوق سیاسی را از حکومت طلب کنند. ۴- اثر سرکوب: منابع حاصل از رانت به دولت‌های رانتیر این امکان را می‌دهد که بیش‌تر برای امنیت داخلی هزینه کنند و به این ترتیب با گسترش دستگاه سرکوب، خواسته‌های شهروندان را نیز سرکوب کنند (Moore, 1966: 67).

در خصوص چگونگی مشارکت‌سیاسی در ایران، پژوهش‌های بسیاری با رویکردهای متفاوتی انجام شده است برای نمونه از رویکرد نظریه نوسازی برای توضیح مشارکت‌سیاسی در ایران استفاده شده است (رضی، ۱۳۷۴). با استفاده از نظریه کارکردی-ساختاری پارسونز به تبیین تحول مشارکت منفعلانه به مشارکت فعالانه سیاسی در ایران پرداخته‌شده است (سیف‌زاده، ۱۳۷۴). برخی به کمیت و کیفیت مشارکت‌سیاسی زنان در ایران پرداخته‌اند (مصفا، ۱۳۷۵؛ عبدالهی، ۱۳۸۳؛ Enayat, 2002). برخی در خصوص چگونگی مشارکت‌سیاسی شهروندان ایرانی دست به نظرسنجی زده‌اند (اسدی، ۱۳۵۶؛ سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی، ۱۳۷۷). همچنین به مطالعه تأثیر وضعیت اقتصادی-اجتماعی به نگرش دانشجویان نسبت به مشارکت‌سیاسی زنان پرداخته‌اند (باور، ۱۳۷۳). برخی با رویکرد روان‌شناسانه در پی توضیح مشارکت‌سیاسی در ایران بوده‌اند (موسوی، ۱۳۷۷؛ قهرمانی، ۱۳۷۵). عده‌ای با رویکرد آماری به بررسی مشارکت‌سیاسی در ایران پرداخته‌اند (سراج‌زاده، ۱۳۶۸؛ طهماسبی، ۱۳۹۱). یا با رویکردی اکتشافی به بررسی الگوهای مشارکت در بین دانشجویان نظر کرده‌اند (فرجام‌فر، ۱۳۷۹). برخی به بررسی رابطه بین مشارکت‌سیاسی و توسعه سیاسی در ایران پرداخته‌اند (مردوخی، ۱۳۷۳) و یا مشارکت زنان و توسعه سیاسی (شادی‌طلب، ۱۳۸۰: ۱۴۳-۱۲۳). تحقیقی به «بررسی هویت ملی و دینی جوانان و تأثیر آن بر مشارکت‌سیاسی و اجتماعی آن‌ها» پرداخته است (حبیب‌زاده مرودشتی، ۱۳۸۲). در خصوص اقتصاد و دولت رانتیر در ایران پژوهش‌های متفاوتی نیز

صورت گرفته است. در تحقیقی اقتصاد سیاسی نفت در ایران پس از انقلاب اسلامی مورد تحلیل قرار گرفته است (میرترابی و دیگران، ۱۳۹۱). برخی به بررسی تأثیر رانت دولتی و انحصارات اقتصادی بر سرمایه اجتماعی در ایران پرداخته‌اند (سمیعی اصفهانی و دیگران، ۱۳۹۴؛ پناهی و امینی، ۱۳۹۰) در مطالعه‌ای تأثیر درآمدهای نفتی بر ایجاد دولت رانتهی در ایران، بررسی شده است (عسکری، ۱۳۸۹). عده‌ای به اقتصاد دولتی در ایران (رابطی، ۱۳۸۴). یا به پدیده رانت و رانت‌جویی در ایران پرداخته‌اند. در تحقیقی تأثیر دولت رانتیر بر عدم توسعه اقتصادی ملی مورد بررسی قرار گرفته است (دین‌پرست و ساعی، ۱۳۹۱). اما در هیچ کدام از تحقیق‌های عنوان شده به بررسی اثر دولت رانتیر بر مشارکت‌سیاسی در جمهوری اسلامی ایران پرداخته نشده است. این مقاله قصد دارد تأثیر دولت رانتیر بر الگوهای مشارکت‌سیاسی در ایران را مورد بررسی قرار دهد. در واقع مقاله حاضر قصد دارد پاسخ‌های به دو پرسش اصلی برآمده از هدف مقاله دهد: آیا دولت‌های جمهوری اسلامی ایران دولت‌های رانتیر محسوب می‌شوند؟ و اگر چنین است تأثیر دولت‌های رانتیر بر الگوهای مشارکت سیاسی در ایران به چه صورت بوده است؟

روش

روش استفاده شده در این مقاله روش مقایسه‌ای - تطبیقی است. این روش در حوزه مطالعات سیاسی روشی است که به صورت نظام‌مند تلاش می‌کند با ارائه مدارک تجربی، واقعیت‌های سیاسی را با یکدیگر مقایسه کند (مک‌کی و مارش به نقل از غفاری، ۱۳۸۸: ۱۰۰). جامعه آماری در این مقاله شامل کلیه محتویات نوشتاری درباره موضوع تحقیق است. به نظر فلیک (۱۳۸۷: ۱۵۷) در مطالعه تطبیقی، محقق مورد را در کلیت و با همه پیچیدگی‌هایش مشاهده نمی‌کند، بلکه موردهای متعدد را از جنبه خاصی مورد توجه قرار می‌دهد. بر این اساس در این مقاله از روش نمونه‌گیری تئوریک به منظور گردآوری داده‌ها استفاده شده است. «در حقیقت نظریه‌ای که در حال شکل‌گیری است راهنمای محقق در انتخاب نمونه‌های جدید خواهد بود. در این روش، انتخاب هر نمونه جدید به نمونه‌های قبلی و داده‌های حاصل از آن بستگی دارد. محقق معمولاً می‌کوشد تا به صورت هدفمند، بر مبنای این که در پی یافته‌های اولیه، چه نوع اطلاعات خاصی مورد نیاز است، نمونه جدید را انتخاب کند به عبارت دیگر در نمونه‌گیری تئوریک، جمع‌آوری داده‌ها بیشتر در پرتو طبقات و مفاهیمی که از داده‌های قبلی استخراج شده است انجام می‌شود» (ادیب حاج باقری، ۱۳۸۵: ۲۹-۳۰).

در جمع‌آوری اطلاعات از تکنیک اسنادی استفاده شده است. منابع داده‌های روش اسنادی را می‌توان به دو دسته‌ی اصلی تقسیم کرد: منابع دست اول^۱ شامل گزارش‌هایی است که توسط شرکت‌کنندگان در واقعه و

تأثیر دولت رانتیر بر الگوهای مشارکت سیاسی (مورد پژوهی: ایران در ...

یا شاهدان عینی نوشته شده است؛ نظیر خاطرات، نامه‌ها، یادداشت‌های روزانه، اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها، قوانین، روزنامه‌ها، مجلات؛ منابع دست دوم^۱ به منابعی اطلاق می‌شود که پژوهشگران در موضوع مورد مطالعه تولید کرده‌اند. در این مقاله از هر دو نوع منابع استفاده شده است.

تحلیل داده‌ها در این مقاله مطابق با روش تحلیل درونی داده‌ها در مطالعات تطبیقی است. «در شیوه تطبیقی درونی، تغییرات یک واقعیت معین مانند یک نهاد در طی زمان و در قالب فرهنگ و فضای متفاوت شناسایی می‌شود که این تغییرات نشان‌دهنده و برملاکننده الگوهای تفاوت و تشابه برای آن نهاد در طی زمان و در بین فرهنگ و فضاهای متفاوت خواهد بود» (غفاری، ۱۳۸۸).

یافته‌ها

یافته‌های تحلیلی: در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۵) در فصل چهارم بویژه اصل چهل و چهار شکل اقتصاد جمهوری اسلامی به شرح زیر آمده است: «نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی، خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تامین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه آهن و مانند اینهاست که به صورت مالکیت عمومی و در اختیارات دولت است. بخش تعاونی شامل شرکت‌ها و موسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود. بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های دولتی و تعاونی است.»

با توجه به این اصل بخش خصوصی به دو بخش خصوصی و تعاونی تقسیم می‌شود و آن هم به منظور هموار ساختن راه پشتیبانی مالی از اقشار ضعیف و فقیر جامعه که اکثریت مردم را برای تشکیل شرکت‌های تعاونی تشویق می‌کند. نکته دیگر اینکه در این اصل، بخش خصوصی به روشنی بخش مکمل دیده شده است و نقش چندان مهمی برای آن لحاظ نگردیده است. در نتیجه طبق اصل چهل و چهار تمامی فعالیت‌های اقتصادی زیربنایی و اصلی را کماکان باید دولت عهده‌دار گردد.

از سوی دیگر، بخش خصوصی ضعیفی هم که در دوره قبل از انقلاب اسلامی در حوزه صنعت شکل گرفته بود، پس از پیروزی انقلاب به دلیل پاره‌ای مشکلات، دولت را بر آن داشت تا طرح ملی کردن بخشی از صنایع را با هدف روشن کردن وضعیت آنها و به گردش درآوردن مجدد چرخ اقتصاد به تصویب شورای

انقلاب برساند طبق گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۵۸ بانک مرکزی بر پایه این طرح، صنایع از نظر وضع مالکیت به چهار گروه تقسیم شد: «۱- صنایع مادر، اساسی و سنگین علاوه بر صنایع مانند نفت، گاز، ذوب آهن، مس و غیره که قبلاً نیز ملی بود صنایع دیگری چون آلومینیوم‌سازی، ماشین‌سازی، ساخت و مونتاژ کشتی و اتومبیل‌سازی نیز ملی شد؛ ۲- سهام صنایع عمده‌ای که صاحبانش ثروت‌های کلان به دست آمده را از کشور خارج کرده بودند به مالکیت دولت درآمد؛ ۳- صنایع مونتاژ، زیان‌آور و بدهکار به بانک‌ها، برای واریز بدهی به مالکیت بانک‌های ملی شده درآمد؛ ۴- آن دسته از صنایع عموماً سودآور که با مالکیت مشروع و مشروط و منطبق با موازین اسلامی بوجود آمده بود با استفاده از سود عادلانه کماکان در اختیار صاحبان آن‌ها قرار گرفت» (بانک مرکزی ایران، ۱۳۶۰).

طبق گزارش اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۹: ۵۷) در سال ۵۹ با اجرای طرح ملی کردن صنایع و نیز قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران حدود ۴۶۴ واحد تولیدی و تجاری با سطح اشتغالی در حدود ۱۷۷ هزار نفر و در ۱۱ گروه زیر پوشش سازمان صنایع ملی ایران قرار گرفت این یازده گروه عبارتند از: ۱- گروه صنایع خودروسازی؛ ۲- گروه صنایع برقی و لوازم خانگی؛ ۳- گروه صنایع نساجی و پوشاک؛ ۴- گروه صنایع چوبی و سلولوزی؛ ۵- گروه صنایع شیمیایی؛ ۶- گروه صنایع ساختمان و سیمان؛ ۷- گروه صنایع فلزی و ماشین‌سازی؛ ۸- گروه معدن؛ ۹- گروه صنایع دارویی؛ ۱۰- گروه صنایع غذایی؛ ۱۱- گروه صنایع بهشتر.

ملی کردن این بخش از صنایع منجر به گسترش هر چه بیشتر تصدی‌گری دولت شد و دامنه آن را تا به آنجا رساند که تنها با ملی کردن حدود ۱۰ درصد از واحدهای صنعتی بزرگ، حدود ۸۰ درصد از تولیدات واحدهای صنعتی به مالکیت عمومی درآمد. در کنار تحولات فوق، جنگ تحمیلی نیز عامل دیگری برای افزایش دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی شد و چرخه دولتی‌شدن اقتصاد کشور و به بیان دیگر، اقتصاد دولتی را تا پایان جنگ تکمیل کرد (رابطی، ۱۳۸۴: ۶۲).

با توجه به درآمدها و مخارج دولت‌ها در جمهوری اسلامی ایران می‌توان گفت ایران دارای دولت رانتیر است. دولت رانتیر محصول انحصار و انحصار زائیده تصمیمات سیاسی و دخالت دولت‌ها در بازار است. «به صورت کلی اگر عمده منابع درآمد یک دولت ناشی از انحصارات و فروش کالا یا ارائه خدمات با قیمتی بالاتر از حد طبیعی باشد، این دولت، رانتیر است» (پناهی و امینی، ۱۳۹۰: ۶۲).

بررسی‌های آمار بانک مرکزی نشان می‌دهد که بین سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴، به صورت میانگین، بیش از ۵۶ درصد از درآمدهای دولت از محل فروش و صادرات نفت تأمین می‌شده است. در این مدت فروش نفت، ۸۳ درصد از کل صادرات و ۸۸ درصد از منابع ارزی دولت را تأمین کرده است. البته این وضعیت در سال‌های بعد نیز ادامه داشته است جداول (۱) و (۲) میزان درآمد نفتی را به کل درآمدهای دولت نشان می‌دهد:

تأثیر دولت رانتیر بر الگوهای مشارکت سیاسی (مورد پژوهی: ایران در ...

جدول (۱) داده‌های میزان وابستگی دولت به درآمدهای نفتی

سال	کل درآمدهای بودجه (میلیارد ریال)	درآمد نفت در بودجه (میلیارد ریال)	نسبت درآمد نفتی در بودجه به کل درآمدها (درصد)
۱۳۶۸	۳۱۷۴/۶	۱۵۱۵/۱	۴۷/۷
۱۳۶۹	۵۶۳۲/۵	۳۳۷۵/۱	۵۹/۹
۱۳۷۰	۶۹۳۳/۵	۳۵۴۹/۴	۵۱/۱
۱۳۷۱	۹۸۸۴/۵	۵۱۴۵/۹	۵۲
۱۳۷۲	۲۰۵۰۰/۷	۱۴۶۸۹/۲	۷۱/۶
۱۳۷۳	۴۶۱۲۵/۸	۲۸۳۶۸/۷	۶۱/۲
۱۳۷۴	۴۱۴۲۷/۷	۲۹۴۳۱/۲	۷۱
۱۳۷۵	۵۷۱۲۱/۹	۳۸۱۵۳	۶۶/۷۹
۱۳۷۶	۶۲۳۷۸/۱	۳۶۴۴۶/۷	۵۸/۴
۱۳۷۷	۵۶۶۲۶	۲۲۵۳۰	۴۲
۱۳۷۸	۹۲۳۱۵/۷	۴۴۳۴۴	۴۸
۱۳۷۹	۱۰۴۶۴۰/۸	۵۹۴۴۸/۵	۵۶/۸
۱۳۸۰	۱۲۸۸۵۹/۶	۷۱۹۵۷/۱	۵۵/۸
۱۳۸۱	۲۲۹۹۶۳	۱۳۸۵۰۲/۴	۶۰
۱۳۸۲	۲۷۶۱۹۱/۸	۱۸۴۲۶۰/۹	۶۶/۷
۱۳۸۳	۳۳۷۴۴۸	۲۱۵۹۱۹/۳	۶۴

برگرفته از بانک مرکزی به نقل از (دین پرست و ساعی، ۱۳۹۱: ۶۱).

جدول (۲) میزان درآمد و درصد نفت

سال	درآمد (میلیارد ریال)	درصد از GDP	سال	درآمد (میلیارد ریال)	درصد از GDP
۱۳۵۷	۱۰۰۱۳/۲	۴۱/۱	۱۳۷۵	۳۸۱۵۳	۲۱/۶
۱۳۵۸	۱۲۱۹/۷	۲۱/۲	۱۳۷۶	۲۶۴۴۶/۷	۱۳/۵
۱۳۵۹	۸۸۸/۸	۱۸/۱	۱۳۷۷	۲۲۵۳۰	۱۸/۵
۱۳۶۰	۱۰۵۶/۴	۲۱/۶	۱۳۷۸	۴۴۱۷۰/۴	۳۴/۴
۱۳۶۱	۱۶۸۹/۵	۱۶/۲	۱۳۷۹	۵۹۴۴۸/۵	۲۳/۸
۱۳۶۲	۱۷۷۹/۵	۱۳/۳	۱۳۸۰	۷۱۹۵۷/۱	۲۳/۷
۱۳۶۳	۱۴۰۷/۷	۱۱/۳	۱۳۸۱	۱۰۲۶۲۶/۴	۲۶/۴
۱۳۶۴	۱۲۰۸/۶	۳/۷	۱۳۸۲	۱۲۸۱۵۳/۹	۲۹/۷
۱۳۶۵	۴۳۴/۷	۱۰	۱۳۸۳	۱۵۰۴۱۳/۳	۳۸/۳
۱۳۶۶	۸۵۳/۲	۹/۴	۱۳۸۴	۱۸۶۳۴۲/۴	۴۰/۲
۱۳۶۷	۸۰۹/۳	۱۴	۱۳۸۵	۱۸۱۸۸۱/۲	۳۴/۹
۱۳۶۸	۱۵۱۵/۱	۲۰/۵	۱۳۸۶	۱۷۳۵۱۹/۱	۳۷/۸
۱۳۶۹	۳۳۷۵/۱	۲۵/۷	۱۳۸۷	۲۱۵۳۵۰/۳	۲۱/۴
۱۳۷۰	۳۵۴۹/۴	۲۴/۶	۱۳۸۸	۱۵۷۸۱۷/۵	۲۴/۱
۱۳۷۱	۵۱۴۵/۹	۲۳	۱۳۸۹	۴۳۴۴۸۵/۵	۲۵/۴
۱۳۷۲	۱۴۶۸۳/۲	۲۷/۴	۱۳۹۰	۱۴۹۶۴۰۰	۲۱/۹
۱۳۷۳	۲۱۴۷۹/۷	۲۲/۵	۱۳۹۱	۱۳۱۰۳۶۰	۲۸/۳
۱۳۷۴	۲۹۴۴۱۳/۲	۲۲/۴	۱۳۹۲	۱۷۹۲۰۰۰	۳۲/۴

برگرفته از (زوارزاده و دیگران، ۱۳۹۵: ۳۸).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی با کاهش تولید و صادرات نفت، از اهمیت نفت در اقتصاد کشور و درآمدهای عمومی دولت کاسته شد و در مقابل، سهم درآمدهای مالیاتی افزایش یافت، به طوری که به رغم اینکه درآمدهای دولت در سال ۱۳۶۷ معادل رقم مشابه سال ۱۳۵۶ بود، درآمدهای مالیاتی از رشد متوسطی

حدود ۷/۵ درصد برخوردار گشت و سهم آن در درآمدهای دولت به حدود ۴۸ درصد رسید. از سال ۱۳۶۸ با پایان جنگ تحمیلی و همزمان با شروع برنامه اول توسعه، با افزایش نسبی تولید و صادرات نفت، بار دیگر از سهم درآمدهای مالیاتی در درآمدهای دولت کاسته شد و طی چهار ساله ۱۳۶۸ - ۱۳۷۱، سهم مزبور، به رغم رشد متوسط سالانه بیش از ۴۰ درصد، به دلیل رشد سریع‌تر درآمدهای غیرمالیاتی از ۴۸ درصد به حدود ۲۸ درصد کاهش یافت. از سال ۱۳۷۲، با تغییر نرخ برابری ارز و شفاف‌شدن بودجه عمومی دولت، سهم مالیات در درآمدهای عمومی دوباره کاهش یافت و به ۲۴/۱ درصد در سال ۱۳۷۴ رسید (کردبچه، ۱۳۷۵: ۴۳-۴۴).

بنابراین، ترکیب درآمدهای دولت در گذشته به گونه‌ای بوده است که حتی در استثنایی‌ترین وضعیت‌ها، سهم مالیات‌ها از ۵۸ درصد مجموع درآمدهای دولت فراتر نرفته است. علاوه بر این، بخش مهمی از درآمدهای مالیاتی نیز به طور مستقیم و غیرمستقیم وابسته به درآمد نفت بوده است. با توجه به سهم نفت از درآمدهای که بیش از ۴۲ درصد از درآمدهای دولت را تأمین می‌نمایند و همچنین انحصار دولت در اقتصاد می‌توان گفت دولت ایران، دولت رانتی و اقتصاد آن اقتصاد رانتی محسوب می‌شود.

یافته‌های مقایسه‌ای - تطبیقی: اقتصاد رانتی ایران بر روی مشارکت سیاسی اثر گذاشته است. اقتصاد رانتی به ساختار سیاسی اجازه داده است که بتواند خود را از خواسته‌های سیاسی طبقات و گروه‌های اجتماعی مستقل کند. ساختار سیاسی توانسته است جلوی فعالیت‌های سیاسی گروه‌های برانداز در چرخه مشارکت سیاسی جمهوری اسلامی را بگیرد و توانسته کنترل خود بر چرخه مشارکت سیاسی گروه‌های اصلاح طلب را بسط دهد و از گروه‌های سیاسی موافق ساختار سیاسی حمایت کند. بنابراین در حوزه مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی سه الگوی مشارکت سیاسی پدید آمده است. این سه الگو با توجه به سلسله مراتب مشارکت سیاسی «لستر میلبراث» دارای سطوح مشارکت سیاسی متفاوتی است. سلسله مراتبی که به ترتیب از عدم درگیری، رای‌دادن، مشارکت در بحث‌های سیاسی غیررسمی، عضویت انفصالی در یک سازمان شبه‌سیاسی، عضویت انفصالی در یک سازمان سیاسی، مشارکت در اجتماعات عمومی، تظاهرات و غیره، عضویت فعال در یک سازمان شبه‌سیاسی، عضویت فعال در یک سازمان سیاسی، جستجوی مقام سیاسی یا اداری تا گرفتن مقام رسمی دولتی تغییر می‌کند. پایین‌ترین سطح مشارکت واقعی «رای دادن» در انتخابات است (Dowse and Hughes, 1975: 29). این سه الگو عبارتند از: الف) گفتمان رابطه تخصص؛ ب) گفتمان غیرحمایتی؛ ج) گفتمان حمایتی.

الف) گفتمان رابطه تخصص: با پیروزی نیروهای انقلابی در سال ۱۳۵۷ شمار وسیعی از نخبگان سیاسی کشور از عرصه سیاست کنار گذاشته شدند. این نخبگان که همگی سابقه همکاری با رژیم پیشین را داشتند، در ساختار جدید نمی‌توانستند مقامی داشته باشند (خواجه سروری و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۷). ویژگی این گروه

تأثیر دولت رانتیر بر الگوهای مشارکت سیاسی (مورد پژوهی: ایران در ...

سیاسی نگاه دین گریز و دین ستیزشان بود در واقع این گروه سیاسی با یکی از اصول اساسی این انقلاب یعنی نگاه دینی تعارض داشتند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۳۹۷). این نیروها در عرصه سیاست خارجی گرایش به وابستگی و در بهترین حالت سیاست مستقل ملی داشتند. از اختلافات فاحش دیگری که میان این گروه با نیروهای انقلاب بود این است که این نیروها از حامیان رژیم صهیونیستی بودند (مهدوی، ۱۳۸۹). «این جریان در جنگ تحمیلی با صدام ارتباط داشت و خواستار نابودی جمهوری اسلامی و از تحریک کنندگان اصلی حمله نظامی آمریکا به ایران است» (خواججه سروری و شارعی، ۱۳۹۳: ۲۰۱-۲۰۲).

جریان موسوم به چپ مارکسیستی دیگر اپوزیسیون برانداز جمهوری اسلامی است (صوفی آبادی، ۱۳۸۷: ۲۸۱-۳۲۴). یکی از گروه‌های این جریان سازمان مجاهدین خلق است. افراد تشکیل دهنده این سازمان قرائتی چپ‌گرایانه از دین اسلام داشتند (جعفریان، ۱۳۸۳: ۴۸). در واقع این افراد مخالف پذیرش مقام روحانیت در اسلام بودند و اسلام منهای روحانیت را خواستار بودند (خواججه سروری و شارعی، ۱۳۹۳: ۲۰۷). سرانجام از قدرت کنار گذاشته شدند و اعضای آن ایران را ترک کردند و تمامی انتخابات در ایران را تا کنون تحریم کردند (صوفی آبادی، ۱۳۸۷: ۲۸۱-۳۲۴).

نیروهای سیاسی سلطنت‌طلب و مجاهدین خلق به عنوان نمونه گفتمان متخاصم و اپوزیسیون برانداز جمهوری اسلامی در نظر گرفته می‌شود که به لحاظ گفتمانی رابطه تخاصم دارند و جمهوری اسلامی توانسته این طیف سیاسی و هواداران آن را از فرآیند مشارکت‌سیاسی در ایران کنار بگذارد. بر اساس سلسله مراتب مشارکت‌سیاسی میلبراث دارای وابستگی سازمانی سیاسی هستند و فعالیت‌های سیاسی نیز دارند ولی در پروسه انتخاب‌شوندگی نمی‌توانند وارد شوند و همچنین به هواداران توصیه می‌کنند که وارد فرآیند رأی‌دهی نشوند. اینکه چه میزان از افرادی که دارای حق انتخاب هستند و مشارکت نمی‌کنند پایبندی به این گروه‌ها دارند، برآورد نشده است ولی می‌دانیم همواره انتخابات در جمهوری اسلامی فراگیر نبوده است. در واقع به واسطه اثر سرکوب دولت رانتیر این امکان برای ساختار سیاسی میسر شده است که چنین جریان‌های سیاسی را سرکوب و اجازه ورود به فرآیند مشارکت‌سیاسی را از آنها سلب کند.

ب) گفتمان غیرحمایتی: «جریان اسلام‌گرا در دهه ۶۰ شمسی اولین شکاف سیاسی خود را موسوم به چپ و راست تجربه نمود. این شکاف با تشکیل «جبهه دوم خرداد» عمیق‌تر و عینی‌تر شد. در اوایل دهه ۸۰ شمسی مجدداً عناوین دو جناح کشور دچار تحول در مفهوم واژه‌ها شد و به «اصلاح‌طلب» و «اصول‌گرا» تغییر نام یافت» (دارابی، ۱۳۹۰: ۵۳). در واقع در انتخابات ریاست جمهوری دور هفتم ائتلاف خط امام و کارگزاران همسو با مجمع روحانیون مبارز شامل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، دفتر تحکیم وحدت، انجمن اسلامی معلمان، جمعیت زنان جمهوری اسلامی ایران، خانه کارگر، حزب همبستگی، مجمع اسلامی بانوان، مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم، مجمع نمایندگان ادوار مجلس شورای اسلامی، انجمن

اسلامی مدرسین دانشگاه، انجمن روزنامه‌نگاران زن، جامعه اسلامی پزشکان، حزب اسلامی کار، ائتلاف خط امام (ره) و ... از کاندیداتوری «محمد خاتمی» حمایت کردند (جوانی، ۱۳۸۶: ۱۱۹).

این گفتمان بر سیاسی بودن اسلام پافشاری می‌کرد، جدایی دین از سیاست را نفی می‌نمود و به حکومت اسلامی باور داشت و در چارچوب این گفتمان، انقلاب اسلامی، جنبشی مدرن در جهت ایجاد یک حکومت دموکراتیک و مبتنی بر ارزش‌های دینی به شمار می‌آمد. از نشانه‌های دیگر این گفتمان، مفهوم جامعه‌مدنی است که در ضمن آن عناصری چون: منشا مردمی حکومت، مشارکت مردم، قانون‌مندی و محدودیت دولت، پاسخ‌گو بودن همه افراد صاحب‌منصب در برابر قانون و مردم و وجود نهادهای مدنی واسط را به عنوان اصول اساسی جامعه‌مدنی مورد نظر خود معرفی می‌کند (حسینی‌زاده و حسینی‌زاده، ۱۳۹۳: ۷۵).

این گفتمان می‌کوشد در برابر رقیب، که بر اسلامیت انقلابی و جمهوری اسلامی تأکید می‌کند، جمهوریت نظام را برجسته ساخته و ولایت‌فقیه را به عنوان مبنای نظام و یکی از رکن‌های اصلی آن پذیرفته، ولی می‌کوشد تا از آن، قدسیت‌زدایی کرده و قرائتی مدرن و دموکراتیک از آن ارائه دهند، لذا بر مشروعیت مردمی ولایت‌فقیه بیشتر تأکید می‌کنند (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۴۰۴). محورهای اصلی اعلامی گفتمان اصلاح‌طلبی را می‌توان، تأکید بر نقش مردم در فرآیند سیاسی، طرح و دفاع از نظریه انتخابی ولایت‌فقیه، مبارزه با انحصار قدرت، مخالفت با نظارت استصوابی شورای نگهبان، آزادی و در نهایت جامعه‌مدنی و توسعه سیاسی دانست (حسینی‌زاده و حسینی‌زاده، ۱۳۹۳: ۷۶).

تأکید بر نقش مردم و جمهوریت‌خواهی سبب شد تا دال ولایت‌فقیه در کانون مفصل‌بندی گفتمانی آنان قرار نگیرد. آنان جمهوریت و نقش مردم را دال محوری خود قرار داده و نشانه‌های دیگر، هم‌چون ولایت‌فقیه را در بدنه مفصل‌بندی گفتمانی خود قرار دادند، هم‌چنین تمرکز بر جمهوریت و نقش مردم در حکومت اسلامی موجب شد تا آن‌ها در این دوران، اغلب نشانه‌های مربوط به توسعه سیاسی، مانند: جامعه‌مدنی، آزادی و برابری را در مفصل‌بندی خود قرار دهند و بر آن تأکید کنند (بهروزک، ۱۳۸۶: ۲۵۵).

این گفتمان و در واقع نیروی سیاسی موسوم به اصلاح‌طلبی برآمده از جامعه مدرن در ایران است و تا کنون توانسته است در انتخابات ریاست جمهوری دوره هفتم، هشتم، (زیباکلام و دیگران، ۱۳۸۹؛ اثنی‌عشری، ۱۳۸۷) یازدهم (بشیری و ازغندی، ۱۳۹۳) و انتخابات مجلس ششم شورای اسلامی (پیمان، ۱۳۷۹؛ پورسعید، ۱۳۸۳) قدرت سیاسی را کسب کنند. نظام حاکم در جمهوری اسلامی همواره سعی بر کنترل فعالیت‌های نیروهای سیاسی اصلاح‌طلب داشته است بدین جهت الگوی سیاسی دیگری در ایران شکل گرفته است که بر اساس سلسله مراتب مشارکت‌سیاسی میلبراث، دارای چرخه مشارکت‌سیاسی کاملی نیست. این نیرو و هواداران آن در جامعه امکان کنش سیاسی همانند الگوی مشارکت‌سیاسی اصول‌گرایان را ندارند. برای نمونه همواره کاندیدهای این جریان با سد شورای نگهبان برای ورود به عرصه انتخاب‌شوندگی چه برای سمت

تأثیر دولت رانتیر بر الگوهای مشارکت سیاسی (مورد پژوهی: ایران در ...

ریاست جمهوری و چه سمت نمایندگی مجلس روبرو بوده است (دشتگلی هاشمی و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۵۳-۲۵۷). همچنین همواره سعی شده است از گردهمایی‌های اعتراضی این جریان جلوگیری شود (دشتگلی هاشمی و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۵۷-۲۶۱)؛ و در مواردی احزاب مربوط به جریان اصلاح طلب غیرقانونی اعلان شده است (دشتگلی هاشمی و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۶۱).

این الگوی مشارکت سیاسی همواره در حال جذب و طرد از شبکه حامی پروری است. به دلیل دسترسی محدود به ثروت رانتی در جریان انتخابات وعده‌های مبتنی بر رانت کمتری به هواداران می‌دهند. برای نمونه در جریان انتخابات دوره هفتم ریاست جمهوری «محمد خاتمی» نامزد اصلاح طلبان با شعار اصلاحات سیاسی به میدان آمد. او با شعار جامعه‌مدنی، قانون‌گرایی، توسعه سیاسی و نهادینه کردن آزادی توانست «ناطق نوری» نامزد اصول‌گرایان با شعارهای که به طور مشخص بر چهار محور «تداوم توسعه»، «تأمین اشتغال جوانان»، «مهار تورم» و «رفع محرومیت و تبعیض» تأکید کرده بود را شکست دهد (تبیان، ۱۳۹۶/۲/۱۰). همچنین در رقابت‌های انتخاباتی ریاست جمهوری دولت یازدهم «محمدباقر قالیباف» و «محسن رضایی» از نامزدهای طیف اصول‌گرایان بر برنامه‌های اقتصادی تأکید داشتند. «محسن رضایی» که برای سومین دور در این انتخابات نامزد شده بود، می‌گفت که یک برنامه کاملاً کارشناسی شده برای اقتصاد ایران تدوین کرده است. او که در دور پیشین انتخابات ریاست جمهوری پیشنهاد کرده بود ایران به ۹ فدرال تقسیم شود، این بار گفت که ایران را براساس کار ملی به مناطق مختلف تقسیم کرده و هر منطقه نیز در نقش مکمل مناطق دیگر وظیفه افزایش تولید ملی را بر عهده دارد او مدل اقتصادی دولت خود را اقتصاد مردمی عنوان کرد و گفت: «این مدل نه سوسیالیستی است و نه لیبرالی. یک اقتصاد مردمی است به این معنا که مالکیت، سرمایه‌گذاری و بازار در آن وجود دارد اما ماهیت و محتوای آن اجتماعی و مردمی است و مردم و ارزش‌های الهی دو رکن اصلی آن هستند». در مقابل «حسن روحانی»، نامزد نزدیک به جریان اصلاح طلبان نیز به طور مشخص با سه وعده به این انتخابات آمده بود. او وعده‌های «نجات اقتصاد»، «احیای اخلاق» و «تعامل با جهان» را داد که راهکار او برای حل مشکلات اقتصادی تعامل با جهان و رفع مشکلات سیاسی و تحریم‌ها بود (تبیان، ۱۳۹۶/۲/۱۰). از این رو جریان‌های گفتمان غیرحمایتی همواره در معرض اثر هزینه‌ای و اثر شکل‌گیری طبقات دولت رانتیر قرار داشته‌اند.

ج) گفتمان حمایتی: با پیروزی انقلاب اسلامی و غلبه گفتمان جمهوری اسلامی، جریان اسلام‌گرا برای اولین بار و پس از سال‌ها مبارزه از انقلاب مشروطه تجربه عملی حاکمیت سیاسی بر کشور را به دست آورد (دارابی، ۱۳۹۰: ۵۱). قوی‌ترین جریانی که در سال‌های نخستین انقلاب اسلامی موفق بود و بیش‌ترین تعداد شهروندان و حامی را داشت، پیروان اسلام انقلابی و فقهاتی بود (خواججه سروری و شاری، ۱۳۹۳: ۲۰۸). این طیف شامل اصول‌گرایان در ادبیات سیاسی ایران است و برآمده از جامعه سنتی-دینی در ایران هستند. مهم-

ترین اصول و نشانه‌های گفتمانی اصول‌گرایی، عبارتند از: «تأکید بر نقش تاثیرگذار آموزه‌های دینی در عرصه زندگی سیاسی - اجتماعی؛ تأکید بر نقش ولایت‌فقیه در نظام اسلامی با گرایش به نظریه انتصاب الهی ولی‌فقیه؛ تأکید بر ارزش‌های اسلامی؛ تأکید بر عدالت اجتماعی - اقتصادی به عنوان نیاز واقعی مردم که بر اساس چنین نگرشی توسعه اقتصادی بر توسعه سیاسی مقدم می‌شود (حسینی‌زاده و حسینی‌زاده، ۱۳۹۳: ۶۸؛ بهروزلک، ۱۳۸۶: ۲۵۳). این دیدگاه قائل به ولایت انتصابی فقیه حاکم است و ولایت‌فقیه را مهم‌ترین نهاد تصمیم‌گیری در جمهوری اسلامی تلقی می‌کند (فیرحی، ۱۳۹۶: ۲۷۵) و مردم در این دیدگاه مشروعیتی به حکومت فقیه نمی‌دهند، مردم با رای به خبرگان، در واقع رجوع به بنیة کرده‌اند، یعنی کارشناسان دینی را برگزیده‌اند تا سخن آنان به عنوان حجت شرعی اعتبار داشته باشد، با این تحلیل، انتخابات زمینه‌ای برای کشف رهبر می‌شود، نه این که به او مشروعیت ببخشد (مصباح‌یزدی، ۱۳۷۸ الف: ۲۵).

اصول‌گرایان معتقدند که در حکومت دموکراتیک نمی‌توان احکام اسلامی را به طور کامل اجرا کرد، ولی ولایت‌فقیه برای اجرای احکام اسلام و تحقق حاکمیت اسلامی ضروری است. در چارچوب این گفتمان، ولی فقیه از سوی خدا نصب شده و مردم نقشی در مشروعیت‌بخشی به حکومت او ندارند و حداکثر در تحقق و فعلیت یافتن آن مؤثرند (مصباح‌یزدی، ۱۳۷۸ ب: ۹۴). در چارچوب این گفتمان ولی‌فقیه در جایگاهی برتر از قانون قرار می‌گیرد و در واقع، این قانون اساسی است که اعتبار خود را از امضای ولی به دست می‌آورد و نه برعکس و همچنین دموکراسی در این نظریه جایگاه چندانی ندارد و رأی مردم تنها در چارچوب ارزش‌های اسلامی و پس از تأیید ولی‌فقیه، معتبر است (مصباح‌یزدی، ۱۳۷۸ ب: ۱۱۷).

البته اندیشمندان دیگری، نظیر: آیت‌الله جوادی آملی (۱۳۶۸: ۱۶۲)؛ آیت‌الله مکارم شیرازی (۱۴۱۱ق: ۴۸۶) و آیت‌الله صافی گلپایگانی (۱۴۱۵ ق) نیز دیدگاه فوق را تقویت می‌نمایند. انسان در این گفتمان اصولاً مکلف و مأمور به اطاعت از اوامر الهی است و اگرچه انسان‌ها تا پیش از ایمان آوردن آزادند، ولی به هر حال زمانی که ایمان آوردند آزادی آن‌ها تنها در محدودیت‌های است که خدا برای انسان مقرر فرموده است (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۱: ۸۴).

در انتخابات و همه‌پرسی‌های جمهوری اسلامی ایران از ابتدا تا انتخابات ریاست جمهوری دوره هفتم در سال ۱۳۷۶ به استثنا دور اول ریاست جمهوری در سال ۱۳۵۸ (کولائی و صفرپور، ۱۳۸۸). این جریان برنده بلامنازع همه انتخابات و همه‌پرسی‌ها بوده است. همه‌پرسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (شفیعی، ۱۳۹۱)، انتخابات دوره دوم ریاست جمهوری (قزل‌ایاق، ۱۳۹۰). انتخابات خبرگان رهبری دوره اول (قمی، ۱۳۹۳). انتخابات دوره سوم و چهارم ریاست جمهوری (باشگاه خبرنگاران جوان: ۱۳۹۲/۱/۷). انتخابات دوره پنجم و ششم ریاست جمهوری (قادری و عالی‌زاد، ۱۳۹۲). انتخابات مجلس شورای اسلامی از دوره اول تا

تأثیر دولت رانتیر بر الگوهای مشارکت سیاسی (مورد پژوهی: ایران در ...

پنجم (فقیهی و دیگران، ۱۳۹۳) هم‌چنین در انتخابات دوره نهم و دهم ریاست جمهوری (علویان و موسوی، ۱۳۹۳) و انتخابات دوره نهم مجلس شورای اسلامی (پایگاه خبری یافته: ۱۳۹۴/۴/۴).

این نیروی سیاسی به دلیل عملکردی که در حفظ ساختار سیاسی موجود و بازتولید نیروهای سیاسی هوادار نظام دارد، همواره توسط حاکمیت سیاسی مورد حمایت و تشویق برای حضور در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی، قرار گرفته است؛ و طبق سلسله مراتب مشارکت سیاسی میلبراث دارای الگوی مشارکت سیاسی فراگیری است یعنی از امکان مشارکت سیاسی از پایین‌ترین سطح تا بالاترین سطح برخوردار است.

نامزدهای این طیف سیاسی در انتخابات به دلیل دسترسی بیشتر بر ثروت رانتی تأکید بر برنامه‌های اقتصادی داشته‌اند. برای نمونه دولت‌های نهم و دهم به طور ویژه بحث عدالت و برابری‌های اجتماعی را از طریق مواردی همچون اعطای سهام عدالت و معتبر اعطای یارانه مستقیم به مردم دنبال می‌کرد. «محمود احمدی نژاد» رسیدگی به طبقه محروم را جزو شعارهای انتخاباتی خود در رقابت‌های سال ۸۴ و ۸۸ قرار داده بود می‌گفت از جنس مردم است و می‌خواهد مشکلاتی مثل مسکن و اشتغال را حل کند. او در انتخابات سال ۸۸ با شعار عدالت و مهرورزی برای ۴ سال دیگر بر مستند ریاست جمهوری تکیه زد. رقابتی انتخاباتی «احمدی نژاد» در انتخابات سال ۸۸ با ترکیبی از وعده‌های سیاسی و اقتصادی به میدان آمدند. شعارهای سیاسی «میرحسین موسوی» و «مهدی کروبی» به عنوان دو نامزد اصلاح‌طلبان انتخابات ریاست جمهوری دهم مبتنی بر توسعه سیاسی و نقد عملکرد دولت نهم بود (تبیان، ۱۳۹۶/۲/۱۰).

بحث و نتیجه‌گیری

درآمدهای حاصل از فروش نفت علاوه بر وابسته کردن بودجه‌های سالانه کشور به نفت باعث شده که در ایران دولت رانتیر شکل گیرد. دولت رانتیر دولتی است که بیش از ۴۲ درصد از بودجه سالانه کشور را بر اساس فروش ثروت تدوین کند. در این مقاله مشخص گردید که دولت‌های جمهوری اسلامی به شدت وابسته به درآمدهای نفتی هستند و با توجه به رویکرد نظری دولت رانتیر، به عنوان دولت رانتیر شناخته می‌شوند. دولت‌های رانتیر به دلیل فروش ثروت از وابستگی به درآمدهای مالیاتی رها می‌شوند. ترکیب درآمدهای دولت‌ها در جمهوری اسلامی در استثنایی‌ترین وضعیت‌ها، از ۵۸ درصد مجموع درآمدهای دولت فراتر نرفته است. استقلال دولت‌ها از درآمدهای مالیاتی به معنی مستقل شدن از طبقات و گروه‌های اجتماعی و مطالبات و خواسته‌های آنهاست. مهم‌ترین مسیری که مردم از طریق آن خواسته‌های سیاسی خود را در ساختار سیاسی اعمال می‌کنند مشارکت سیاسی است. جمهوری اسلامی توانسته است طیفی از نیروهای سیاسی برانداز نظیر گروه‌های سلطنت طلب و چپ‌های اقتدارگرا را از چرخه مشارکت سیاسی بیرون گذارد.

همچنین توانسته است چرخه مشارکت‌سیاسی نیروهای اصلاح‌طلب را کنترل کند و از نیروهای سیاسی حافظ ساختار سیاسی موسوم به اصول‌گرایان حمایت کند.

بر اساس عملکرد دولت رانتیر سه الگوی مشارکت‌سیاسی در ایران شکل گرفته است، الف) گفتمان تخصص که به واسطه اثر سرکوب دولت رانتیر از فرآیند مشارکت‌سیاسی طرد شده‌اند، این نیروهای سیاسی دارای وابستگی سازمانی هستند ولی امکان ورود به فرآیند مشارکت‌سیاسی در جمهوری اسلامی را ندارند و همواره انتخابات در جمهوری اسلامی را تحریم کرده و از هواداران خواسته‌اند در انتخابات شرکت نکنند؛ ب) مشارکت‌سیاسی غیرحمایتی که به واسطه عملکرد هزینه‌ای دولت رانتیر همواره در حال طرد و جذب در درون شبکه حامی‌پروری هستند، این طیف سیاسی تأکید بر توسعه سیاسی و توسعه جامعه‌مدنی دارند و بر نقش جمهوریت و مردم در جمهوری اسلامی تأکید دارند و به ولایت فقیه نیز پایبندی دارند و در مبارزات انتخاباتی با وعده‌های آزادی و توسعه سیاسی به میدان انتخابات آمده‌اند؛ ج) مشارکت‌سیاسی حمایتی که به واسطه عملکرد شکل‌دهی به طبقات دولت رانتیر، وظیفه تولید و بازتولید نیروهای سیاسی هوادار نظام سیاسی را به عهده دارد. این جریان سیاسی پایبندی کامل به نقش ولایت مطلقه فقیه، احکام و شرع اسلام داشته و در مبارزات انتخاباتی با وعده‌های اقتصادی وارد عرصه رقابت شده‌اند.

منابع

- اثنی‌عشری، شهراد. (۱۳۸۷). «کالبدشکافی دولت اصلاحات به بهانه انتخابات». گزارش، شماره ۱۹۸، از ۸ تا ۹.
- اسدی، علی. (۱۳۷۸). «جامعه‌شناسی توسعه». تهران: نشریه مدیریت توسعه مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- ادیب حاج باقری، محسن. (۱۳۸۵). «گراند تئوری: راه و روش نظریه‌های پردازی در علوم انسانی و بهداشتی». تهران: نشر و تبلیغ بشری.
- باشگاه خبرنگاران جوان. (۱۳۹۲/۱/۷). «انتخابات ریاست جمهوری از دیروز تا امروز». باشگاه خبرنگاران جوان (۱۳۹۶/۵/۱۵)، از اینترنت: <http://www.yjc.ir/fa/news/4313590/>
- بانک مرکزی ایران. (۱۳۵۹). «گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۵۹».
- بانک مرکزی ایران. (۱۳۶۰). «گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۵۸». مصوب ۱۰ بهمن ۱۳۶۰.
- باور، یوسف. (۱۳۷۳). «بررسی تأثیر پایگاه اقتصادی و اجتماعی دانشجویان (دانشگاه شیراز) به نگرش آنان نسبت به مشارکت‌سیاسی زنان». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.

تأثیر دولت رانتیر بر الگوهای مشارکت سیاسی (مورد پژوهی: ایران در ...

- بشیری، سعید و ازغندی، علیرضا. (۱۳۹۳). «بررسی پایگاه اجتماعی وزیران دولت یازدهم جمهوری اسلامی ایران». رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۲۹، از ۱۱۷ تا ۱۳۹.
- بهروزلوک، غلامرضا. (۱۳۸۶). «جهانی‌شدن و اسلام سیاسی در ایران». قم: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- پایگاه خبری یافته. (۱۳۹۴/۴/۴). «نتایج انتخابات دوره نهم مجلس شورای اسلامی». یافته (<http://yaftnews.ir/notes/other/9454-nataen.html>) از اینترنت:
- پناهی، محمدحسین و امینی، اشرف. (۱۳۹۰). «دولت رانتی اقتصاد دولتی فرهنگ سیاسی و سرمایه اجتماعی در ایران». تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۷، از ۵۹ تا ۹۴.
- پورسعید، بهزاد. (۱۳۸۳). «مجلس ششم؛ درس‌هایی از تعارض‌ها و تعامل‌ها». راهبرد، شماره ۳۴، از ۲۹۹ تا ۳۱۰.
- پیمان، حبیب‌الله. (۱۳۷۹). «خردورزی جمعی مردم ایران در رویکرد انتخابات مجلس ششم». بازتاب اندیشه، شماره ۳، از ۱۸ تا ۲۲.
- تیبان. (۱۳۹۶/۲/۱۰). «شعارهایی که ۷ رئیس‌جمهور را به پاستور برد». (<https://article.tebyan.net/357526/>)، از اینترنت:
- جعفریان، رسول. (۱۳۸۳). «جریان‌ها و سازمان‌های سیاسی و مذهبی ایران». تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- جوادآملی، عبدالله. (۱۳۶۸). «پیرامون وحی و رهبری». قم: الزهرا.
- جوانی، یدالله. (۱۳۸۶). «دوم خردادی‌ها (اصلاح طلبان): از گذشته، حال و راهبردهای انتخاباتی». حصون، شماره ۱۴، از ۱۱۵ تا ۱۴۴.
- حبیب‌زاده مرودشتی، فهیمه. (۱۳۸۲). «بررسی هویت‌ملی و دینی جوانان و تأثیر آن بر مشارکت سیاسی و اجتماعی آنان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- حسینی‌زاده، ابوالفضل و حسینی‌زاده، محمدعلی. (۱۳۹۳). «مسئله آزادی در دو گفتمان اصولگرا و اصلاح‌طلب». سپهر سیاست، شماره ۱، از ۶۱ تا ۸۲.
- حسینی‌زاده، محمدعلی. (۱۳۸۶). «اسلام سیاسی در ایران». قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- خواجه سروری، غلامرضا و رزم‌جو، علی اکبر و شاری، محمدحسن. (۱۳۹۲). «تاریخ سیاسی انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران». تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- خواجه‌سروری، غلامرضا و شاری، محمدحسن. (۱۳۹۳). «جریان‌شناسی نیروهای سیاسی (بین سال‌های ۵۷ تا ۶۲)». راهبرد، شماره ۷۳، از ۱۹۵ تا ۲۱۵.

- دارابی، علی. (۱۳۹۰). «جامعه‌شناسی جریان‌های سیاسی در دهه چهارم از انقلاب اسلامی». مطالعات سیاسی، شماره ۱۴، از ۴۳ تا ۷۲.
- دشتنگلی هاشمی، مانا و خانیکی، هادی و شاوردی، تهمینه. (۱۳۹۵). «تحولات کنش ارتباطی، حوزه‌ی عمومی، جامعه مدنی و دموکراسی در ایران (مطالعه موردی: فاصله جنبش مشروطه تا انتخابات ریاست جمهوری دهم)». پژوهش سیاست نظری، شماره ۲۰، از ۲۳۱ تا ۲۶۷.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. (۱۳۹۱). «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران». تهران: انتشارات سمت.
- دین‌پرست، فائزه و ساعی، علی. (۱۳۹۱). «دولت رانتیر و سیاست‌گذاری توسعه: تحلیل موانع توسعه اقتصاد ملی در ایران (۱۳۶۸-۱۳۸۴)». جامعه‌شناسی تاریخی، دوره ۴، شماره ۲، از ۴۷ تا ۸۶.
- رابطی، محمد ابراهیم. (۱۳۸۴). «نگاهی به اقتصاد دولتی در ایران». کنترلر، شماره ۱۸، از ۵۶ تا ۶۵.
- رضی، داوود. (۱۳۷۴). «بررسی تطبیقی میزان مشارکت مردم در انتخابات شش دوره ریاست جمهوری پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۷۲-۱۳۵۸». پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- زوارزاده، غلامعلی و زینالی، صادق و تاجیک، هادی و کروژده، مظاهر. (۱۳۹۵). «جهت‌گیری‌های کلان در سیاست خارجی دولت‌های رانتیر در ایران». جستارهای سیاسی معاصر؛ پژوهش‌گده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفتم، شماره اول، از ۲۷ تا ۵۱.
- زیباکلام، صادق و افشاری، داود و اصلانزاده، عبدالله. (۱۳۸۹). «علل روی کارآمدن خاتمی (دولت اصلاحات ۱۳۷۶) براساس نظریه توسعه نامتوازن ساموئل هانتینگتون». تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، سال دوم، شماره ۲۶۳، از ۵۱ تا ۷۶.
- سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی. (۱۳۷۷). «مشارکت سیاسی جوانان». تهران: مرکز تحقیقات مطالعات و سنجش برنامه.
- سراج زاده، حسین. (۱۳۶۸). «بررسی میزان شرکت مردم در انتخابات بعد از انقلاب در شهرستان‌های کشور و رابطه آن با برخی از متغیرهای اجتماعی». پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- سمیعی اصفهانی، علیرضا؛ افشاری، داود؛ و زارع مهدوی، قادر. (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر رانت دولتی و انحصارات اقتصادی بر سرمایه اجتماعی در ایران. (۱۳۶۸-۱۳۸۴)». رهیافت‌های انقلاب اسلامی، شماره ۳۱، از ۱۲۱ تا ۱۴۱.

تأثیر دولت رانتیر بر الگوهای مشارکت سیاسی (مورد پژوهی: ایران در ...

- سیف‌زاده، حسین. (۱۳۷۴). «تحول مشارکت منفعلانه به مشارکت فعالانه تاملی نظری». مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال چهارم، شماره پنجم.
- شادی طلب، ژاله. (۱۳۸۰). «زن در توسعه و سیاست». پژوهش زنان، دوره اول، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۰.
- شریعتی، شهروز. (۱۳۸۶). «چیستی و کاستی نظریه دولت رانتیر». راهبرد، شماره ۱۱، از ۱۰۴ تا ۱۲۲. پاییز ۸۶.
- شفیعی، محمود. (۱۳۹۱). «حاکمیت خدا و مردم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران». حقوق بشر، شماره ۲، از ۶۷ تا ۸۰.
- صافی گلپایگانی، لطف الله. (۱۴۱۵ق). «ضروره الوجود الحکومه او ولایت الفقها فی عصر الغیبه». قم: دارالقرآن الکریم.
- صوفی آبادی، فاطمه. (۱۳۸۷). «از مجاهدت در راه خلق تا خیانت به خلق (مروری بر اقدامات تروریستی منافقین در تابستان ۱۳۶۰)». پانزده خرداد، شماره ۱۶، از ۲۸۱ تا ۳۲۴.
- طهماسبی، شهرام. (۱۳۹۱). «بررسی اثر عوامل اجتماعی بر مشارکت سیاسی (مطالعه موردی: افراد عضو در کتابخانه ملی ایران)». پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه البرز قزوین.
- عبدالمهدی، محمد. (۱۳۸۳). «زنان و نهادهای مدنی مسائل، موانع و راهبردهای مشارکت مدنی زنان در ایران». جامعه‌شناسی ایران، سال پنجم، شماره ۲.
- عسکری، محسن. (۱۳۸۹). «تأثیر درآمدهای نفتی بر ایجاد دولت رانتیر و دموکراسی». علوم سیاسی، شماره ۱۳، از ۱۸۱ تا ۱۹۸.
- علویان، مرتضی و موسوی، سیدصالح. (۱۳۹۵). «چالش‌های تخصصی بین ایران و رژیم صهیونیستی در دولت نهم و دهم». تحقیقات جدید در علوم انسانی، شماره ۴، از ۱۳ تا ۲۸.
- غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۸). «منطق پژوهش تطبیقی». مطالعات اجتماعی ایران، شماره ۸، از ۹۹ تا ۱۱۹.
- فلیک، اووه. (۱۳۸۷). «درآمدی بر تحقیق کیفی». ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- فرجام فر، جلال. (۱۳۷۹). «بررسی انگیزه‌های روانی، اجتماعی مشارکت دانشجویان ساکن تهران دانشگاه تهران». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- فقیهی، ابوالحسن و ذاکری، محمد و اسدی، اسماعیل. (۱۳۹۳). «ارزیابی عملکرد مجالس شورای اسلامی ایران». راهبرد، شماره ۷۲، از ۱۷۴ تا ۲۰۰.
- فیرحی، داود. (۱۳۹۶). «فقه و حکمرانی حزبی». تهران: نشر نی.

- قادری، طاهره و عالی‌زاد، اسماعیل. (۱۳۹۲). «سیاست‌های دولت و توسعه سیاسی در ایران (۱۳۶۸-۱۳۸۴)». علوم اجتماعی، شماره ۶۰، از ۱ تا ۴۲.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۸۵). «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران». تهران: راه دانی.
- قزل‌ایاق، ایمان. (۱۳۹۰). «روند تشکیل دولت اسلامی: نیم‌نگاهی به دولت شهیدان رجایی و باهنر». پاسداران اسلام، شماره ۳۵۷، از ۲۱ تا ۲۴.
- قمی، محسن. (۱۳۹۳). «جایگاه و اهمیت مجلس خبرگان رهبری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران». پژوهش‌های انقلاب اسلامی، شماره ۸، از ۷ تا ۳۴.
- قهرمانی، زری. (۱۳۷۵). «سنجش میزان مشارکت اجتماعی زنان در بین معلمان و دبیران آموزش و پرورش زنجان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد زنجان.
- کردبچه، محمد. (۱۳۷۵). «بررسی درآمدهای مالیاتی در ایران (قسمت اول)». مجله برنامه و بودجه، شماره ۵ از ۲۹ تا ۵۱.
- کولائی، الهه و صفی‌پور، مهدی. (۱۳۸۸). «زمینه‌های سقوط اولین رئیس‌جمهور (ابولحسن بنی‌صدر)». سیاست، شماره ۹، از ۲۴۱ تا ۲۶۰.
- مردوخ، ایزید. (۱۳۷۳). «مشارکت مردم در فرایند توسعه و طرحی برای سنجش میزان آن». فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۶.
- مصباح‌یزدی، محمدتقی. (۱۳۷۸ الف). «نگاهی گذرا به نظریه ولایت فقیه». قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح‌یزدی، محمدتقی. (۱۳۷۸ ب). «نظریه سیاسی اسلام». جلد ۲، قم: مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح‌یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۱). «آزادی: ناگفته‌ها و نکته‌ها». تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- مصفا، نسرین. (۱۳۷۵). «مشارکت سیاسی زنان در ایران». تهران: موسسه چاپ و انتشار وزارت امور خارجه.
- مکارم‌شیرازی، ناصر. (۱۴۱۱ ق). «انوارالقاهاه (کتاب البیع)». قم: مدرسه امیرالمومنین (ع).
- موسوی، میرطاهر. (۱۳۷۷). «مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی». فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲.
- مهدوی، هوشنگ. (۱۳۸۹). «سیاست خارجی دوران پهلوی». تهران: نشر پیکان.

تأثیر دولت رانتیر بر الگوهای مشارکت سیاسی (مورد پژوهی: ایران در ...

- میرترابی، سعید؛ ربیعی، اسماعیل؛ و اسماعیلی، مصطفی. (۱۳۹۱). «اقتصاد سیاسی نفت در ایران پس از انقلاب؛ یک چارچوب تحلیلی مقدماتی». رهیافت‌های انقلاب اسلامی، شماره ۲۱، از ۱۲۹ تا ۱۴۷.

- Beblawi, H. (1987). The Rentier State in the Arab World, in H. Beblawi and G. Luciani (Eds.). The Rentier State. London: Croom Helm.
- Bueno, M and Bruce, A.S and Siverson, R and D.Morrow, J. (2003). The Logic of political survival combridge, MA: MIT University press.
- Dowse R.E and Hughes. J.A. (1975). Political sociology, johnwiley sons, printe in Great Britain by Whitstable titho Ltd.
- Enayat, Halimeh. (2002). Political Participation of Women in Iran: A Sociological Study”, Ph. D. Thesis, Punjab University, Chandigarh, India
- Lipset, S. M. (1994). “The social Requistes of Democracy Revisited”, American sociological review, no, 59.
- Luciani, G. (1986). Allication and production states: A Theoretical Framwork, in Hazes Beblawi and Giacomo Luciani, eds, The Arab state, New York: Groom Helm.
- Mahdavy, H. (1970). The Patterns and Problems of Economic Development in a Rentier Stare: The Case of Iran in M.A. Cook (Ed.). Studies in Economic History of the Middle East. London: Oxford University Press.
- Moore, B. (1966). Social Origins of Dictatorship and Democracy, Boston: Beacon Press.
- Spruyt, H. (1996). The Sovereign State and Its Competitors, Princeton: Princeton University press.
- Waterbury, J. (1994). Democracy without Democrats? The Pootential for Political Liberazition in Middle East, in Ghassan Salame, ed, Democracy without Democrats? The Renewal of Politics in the Muslim, New York: B.Tauris.
- Weiner, M. (1971). Political participation in: criss and sequences in political de velopmen, Princeton N.J: Princeton university press.